

هویت‌پژوهی اقدامات پیشگیرانه امنیتی از منظر فقه امامیه

با تأکید بر دیدگاه امام خامنه‌ای دامنه‌الله

حسین کدیور*

حمید قنبری**

حسن تلاشان***

امیر ملامحمدعلی**

چکیده

دشمنان، اسلام را خطری بزرگ برای تمدن غرب معرفی کرده و باور جهانیان را نسبت به اسلام به پدیده اسلام‌هراسی مبدل نموده‌اند؛ این توطئه سبب کاهش امنیت نظام اسلامی گردیده؛ نظر به اهمیت امنیت در بقای حیات سیاسی - اجتماعی نظام اسلامی، این سؤال مطرح است که راه‌های پیشگیری از توطئه دشمنان کدام است؟ در همین راستا، این پژوهش هدف بررسی مبانی فقهی و استخراج ادله اقدامات پیشگیرانه علیه توطئه دشمنان جمهوری اسلامی ایران؛ دستیابی به راهکارهای فقهی جهت مدیریت تهدیدات و کاهش آسیب توطئه دشمنان را دنبال می‌کند. روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و نتیجه تحقیق احصاء و تحلیل اقدامات پیشگیرانه متعارف چون تحریم حقوقی، جاسوسی و نفوذ، اشراف بر اسناد اطلاعات و تجهیزات، ایجاد رعب، اختلال در فناوری اطلاعات، اختلافافکنی و ...؛ اقدامات پیشگیرانه غیرمتعارف مانند کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی و فردی، خیانت، ظلم، ترویج فساد و فحشا در دشمن به دنبال دارد.

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی دامنه‌الله

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی دامنه‌الله

*** دانشیار گروه علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی دامنه‌الله

کلیدواژه‌ها: هویت پژوهی، اقدامات پیشگیرانه، بازدارندگی، امنیت، تهدید.

مقدمه

نظام سلطه، تصویر هولناکی از اسلام و مسلمانان در اذهان جهانیان ارائه کرده است، تا آنجا که دین اسلام را به عنوان خطری بزرگ برای تمدن غرب معرفی و باور جهانیان را نسبت به اسلام، به پدیده اسلام هراسی مبدل کرده است. نظر به اهمیت امنیت و نقش آن در بقای حیات سیاسی-اجتماعی نظام اسلامی، این سؤال مطرح است که آیا برای جلوگیری از توطئه‌ها و اقدامات خصمانه دشمنان می‌توان اقدامات پیشگیرانه‌ای که بعضاً حکم اولیه آن حرمت است، انجام داد؟ اگر پاسخ مثبت است، حدود و ثغور این اقدامات کدام است؟ آیا از میان ادله نقلی و عقلی می‌توان مستنداتی برای جواز اقدامات پیشگیرانه جستجو کرد؟ اقسام اقدامات پیشگیرانه مجاز و غیرمجاز کدام است؟ این‌ها مجموعه سؤالاتی است که پاسخ به آن‌ها، هویت پژوهی اقدامات پیشگیرانه را تبیین می‌کند.

به‌طور کلی، از یک دیدگاه، اقدامات پیشگیرانه را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود:

الف- اقداماتی برای واكسینه نمودن جبهه خودی در برابر دشمن که نوعاً ایجابی است و در آن هیچ اقدامی علیه دشمن صورت نمی‌گیرد، مانند اقداماتی برای وحدت و هم‌گرایی در میان مردم و یا حتی سایر کشورها، حفاظت از اسرار؛ بصیرت‌افزایی، تعمیق معنویت و پایه‌های اعتقادی، ولایت‌مداری، تقویت روحیه انقلابی‌گری و جهادی و ...؛ اگرچه می‌توان با تسامح این‌ها را از مصادیق اقدامات پیشگیرانه برشمرد؛ اما از محل بحث ما خارج است و در این تحقیق به آن نمی‌پردازیم.

ب- دسته دوم اقدامات پیشگیرانه‌ای است که علیه دشمن است؛ خواه موجب ضرر رساندن به دشمن شود یا فقط موجب ترس آن‌ها شود. حکم اولیه این اقدامات بدون در نظر گرفتن عناوین ثانویه، نوعاً حرمت است، مانند جاسوسی، عملیات ایدایی، عملیات روانی، تحریم سیاسی-اقتصادی و ...، این نوع اقدامات محل نزاع و مسئله‌ای است که این پژوهش در پی هویت‌پژوهی آن است.

مفهوم‌شناسی

هویت‌پژوهی: بررسی ماهیت و ابعاد چیستی، چرایی و چگونگی یک مسئله.

اقدامات پیشگیرانه: جلوگیری کردن، مانع شدن (معین، ۱۳۶۰، ج ۱: ۹۳۳)؛ مجموعه اقداماتی که پیش از وقوع بحران، با هدف جلوگیری از وقوع خطر یا کاهش آثار زیان‌بار آن (موحدی‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۹) یا اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از اتفاقات بد و ناخواسته (مشیری، ۱۳۷۱: ۹۴۲) صورت می‌گیرد.

امنیتی: منسوب به امن و در حالت امن بودن (ربانی، بی‌تا: ۷۴)، ایمنی (عمید، ۱۳۵۵، ج ۱: ۲۳۳)؛ مقوله‌ای کلی و عمومی است برای آرامش خاطر انسان، تا احساس تهدید نکند (افتخاری، ۱۳۸۴: ۲۸۰)؛ در سطح فردی و شخصی به معنای امن بودن و رها بودن از هراس، دلپره و ناامنی (کرمی، ۱۳۷۸: ۱۷)؛ در سطح کلان و فرهنگ سیاسی به معنای توانایی کشور در دفع تهدیدات خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود (صفی، ۱۳۸۰: ۷۵).

بازدارندگی: برقراری نوعی رابطه قدرت در جهت جلوگیری از رسیدن طرف مقابل به اهداف خود با نفوذ در رفتار و عملکرد وی از طریق قدرت سخت و نرم (سیف‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۷۷)؛ جلوگیری یا مهار کردن از طریق «ایجاد» ترس؛ مهار یا ممانعت کردن از دست‌به‌کار شدن یا اقدام کردن با «استفاده از» هرگونه عامل «ایجاد کننده» خطر یا رنج (لارنس فریدمن، ۱۳۸۶: ۵۳).

تهدید: ترساندن، بیم دادن و نوعی تحریک است با جنبه ارباب‌کننده (بهری، ۱۳۸۰: ۲۴۴)؛ در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تهدید و امنیت به‌وسیله یکدیگر تعریف می‌شوند (امنیت در واقع، نبود تهدید است و با وجود تهدید، امنیت مخدوش و کاهش می‌یابد).

در سطح ملی: هرگونه نیت، قصد و اقدامی که ثبات سیاسی و امنیت ملی کشور را به خطر اندازد (تهامی، ۱۳۷۶: ۴۶-۴۵).

ادله اقدامات پیشگیرانه علیه دشمن

أ) دلائل نقلی

۱. اقدامات ترساننده (ارهابی) با افزایش عده و عده:

۱. ۱. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» (انفال: ۶۰). مهیا کنید برای کفار، هر قدر توانایی دارید از نیرو و از اسبان سواری. رسول خدا ﷺ فرمودند: مراد از قوت، رمی است، یعنی تیراندازی. افزون بر این، رباط الخیل تفسیر شده است به این که اسب را علف بدهند و چاق کنند برای دفع دشمن. بعضی تفسیر آن را به مرابطه کرده اند و لفظ «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» به منزله علت است، یعنی این کار را بکنید برای این که بترسانید دشمن خدا و دشمن خود را؛ پس هر چه به آن ترساندن حاصل شود، خوب است (میرزای قمی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۳۹۳، سؤال ۴۷۵).

علامه طباطبایی رحمته الله علیه می فرماید:

تجهیز قوا برای دفاع از حقوق مجتمع اسلامی و منافع حیاتی است و تظاهر به آن تجهیزات، دشمن را اندیشناک می کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵۱-۱۵۴).

۱. ۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوَّانِفِرُوا جَمِيعاً»^۲ (نساء: ۷۱). خداوند مؤمنان را به جهاد با کفار و آماده شدن برای جنگ با ایشان امر می کند. «خُذُوا حِذْرَكُمْ» یعنی اسلحه خود را بردارید، بنابراین اسلحه را «حذر» نامید؛ زیرا اسلحه وسیله ای است که انسان به وسیله آن خود را از خطر حفظ می کند (طبرسی، ۱۳۵۱، ج ۱: ۲۲۹). آیه ضرورت آمادگی رزمی برای امت اسلامی در مواجهه با دشمنان را بیان می فرماید و این آمادگی موجب پیشگیری از توطئه و تهدید دشمن خواهد شد.^۳

۱. هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن ها [= دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب های ورزیده (برای

میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید!

۲. ای کسانی که ایمان آورده اید! آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید و در دسته های متعدد، یا به صورت

دسته واحد، (طبق شرایط هر زمان و هر مکان)، به سوی دشمن حرکت نمایید!

۳. آیات انفال: ۱۲؛ آل عمران: ۱۵۱؛ و حشر: ۲ نیز ناظر به این بُعد از اقدامات پیشگیرانه است.

۱. ۳. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «فَمَنْ أَخَذَ لَهَا أَهْبَتَهَا وَاسْتَعَدَّ لَهَا عُدَّتَهَا وَ لَمْ يَأْلَمْ كُلُّومَهَا عِنْدَ حُلُولِهَا فَذَاكَ صَاحِبُهَا» (نهج البلاغه، خطبه ۴۶) آماده بودن برای ستیز با دشمنان موجب رعب و قطع طمع دشمنان می‌شود.

آن حضرت همچنین می‌فرماید:

هر کس آماده نبرد با دشمن شود و ساز و برگ جنگی خود را آماده سازد و از زخم‌های شمشیر ننالند، مرد میدان نبرد است (جمعی از محققان، ۱۴۲۸ الف، ج: ۱: ۳۸۴).

۲. اقدامات سخت‌گیرانه و تضيیعی

۱. ۲. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ...» (توبه: ۷۳). از استعمال جهاد در خصوص منافقین، این معنا به ذهن می‌رسد که منظور هر رفتاری است که مطابق مقتضای مصلحت باشد؛ اگر مصلحت اقتضا داشت معاشریشان تحریم و ممنوع شود و اگر اقتضا داشت نصیحت و موعظه شوند و اگر اقتضا داشت به سرزمین دیگری تبعید شوند و یا اگر رده‌ای از ایشان شنیده شد کشته گردند و اگر طور دیگری اقتضا داشت در حقشان عمل کنند ... و چه‌بسا جمله «وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» در آیه شاهد بر این معنا باشد که مقصود از جهاد، غلظت و خشونت است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۹: ۴۵۷).

۲. ۲. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...» (فتح: ۲۹)؛ آیه درصدد است مؤمنین به رسول خدا صلی الله علیه و آله را توصیف کند، و «شدت» و «رحمت» که دو صفت متضاد است، از صفات ایشان شمرده شده؛ این دو جمله مجموعاً افاده می‌کند که سیره مؤمنین با کفار، شدت و با مؤمنین رحمت است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۱۸: ۴۴۶).

۲. ۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً...» (توبه: ۱۲۳). تنها شجاعت و شهامت درونی و آمادگی روانی برای ایستادگی و مبارزه سرسختانه با دشمن کافی نیست؛ بلکه

۱. قهرمان میدان نبرد کسی است که آماده پیکار باشد و ساز و برگ جنگی آماده سازد و قبل از نبرد، از زخم شمشیر نهراسد.

۲. ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنها سخت بگیر!

۳. محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربان‌اند.

۴. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید! (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند!) آنها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند.

باید آن‌ها بدانند در شما چنین روحیه‌ای هست و همان سبب عقب‌نشینی و شکست روحیه آنان گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۷: ۱۹۷).

بر اساس فراز «وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً» باید آن‌ها (دشمنان) در شما درشتی ببینند. ابن عباس گفته «غلظت» به معنای شجاعت است. فلذا دشمنان باید خلاف نرمش و رقت را که همان خشونت و سخت‌گیری است از شما احساس کنند تا جلوگیری و مانع آن‌ها گردد (طبرسی، ۱۳۵۱، ج ۱: ۲۴۲).

۲. ۴. «وَلَمَّعِرِي مَا عَلَىٰ مِنْ قِتَالٍ مِّنْ خَالِفِ الْحَقِّ، وَخَابِطِ الْعَيِّ، مِنْ إِدْهَانٍ وَ لَا إِيْهَانٍ...»^۱ (نهج البلاغه، ۱۳۸۶، خ ۲۴: ۷۰). لحن آیات بیانگر موضع صریح دین اسلام نسبت به دشمنان است. قاطعیت در برابر کفار، سبب تزلزل روحی و روانی آنان و موجب پیشگیری از انجام فعالیت‌های توطئه‌آمیز علیه مسلمانان خواهد شد.

۳. اقدامات پیشگیرانه تقابلی (مقابله به مثل):

۳. ۱. «... فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ...» (بقره: ۱۹۴). ماهیت مقابله به مثل^۲ نوعی عامل بازدارنده در برابر تجاوز و تعدی و راه اساسی برای مبارزه با ظلم و روحیه استکباری است (عمید زنجانی، ۱۳۶۸، ج ۴: ۱۰۱).

فقهای شیعه به استناد به آیه مذکور و نیز الهام از برخی آیات دیگر قائل‌اند هرگاه کشوری علائم حتمی دالّ بر اقدام نظامی بیگانه علیه خود را مشاهده نمود، مجاز است در همان سطح علیه آن کشور از خود واکنش نشان دهد (جمراسی فراهانی، ۱۳۷۴: ۴۰).

۱. سوگند به جان خودم، در مبارزه با مخالفان حق، و آنان که در گمراهی و فساد غوطه‌ورند، یک‌لحظه مدارا و سستی نمی‌کنم. پس ای بندگان خدا! از خدا بترسید و از خدا، به‌سوی خدا فرار کنید و از راهی که برای شما گشوده بروید و وظایف و مقرراتی که برای شما تعیین کرده به پا دارید اگر چنین باشید، علی علیه السلام ضامن پیروزی شما در آینده است، گرچه هم‌اکنون به دست نیاورید.

۲. و (به طور کلی) هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید!...

۳. قاعده مقابله به مثل را می‌توان بر آمده از یک اصل عرفی و عقلایی بازدارنده در کلیه جرایم و تجاوزات به حریم حقوق دیگران در روابط ملی و در سطح بین‌المللی به شمار آورد.

۲. ۳. «فَأَمَّا تَدَفُّقُهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ * وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَأَنْذِرْ لَهُمْ عَلَى سَوَاءٍ...» (انفال: ۵۷ و ۵۸). ضمیر «هم» در کلمه «بههم» عائد به کسانی است که نقض عهد کردند و آنان «طایفه بنی قریظه» بودند که با پیامبر عهد بسته بودند که هرگز قریش را مورد نصرت و یاری قرار ندهند، ولی در جنگ خندق، به مشرکان قریش کمک نمودند. وقتی پیامبر نقض عهد آنان را نشان داد، گفتند: ما فراموش کردیم و خطا نمودیم، پس خداوند متعال، دستور مکافات و مقابله به مثل آنان را داد (فاضل مقداد، بی تا، ج ۱: ۴۳۵).

۳. ۳. «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ» (نحل: ۱۲۶) مراد از «عُوقِبْتُمْ بِهِ» مجازات کافران نسبت به مسلمانان و تنبیه آنان به خاطر ایمان آوردن به خدای یگانه و ترک خدایان آن هاست. در این صورت معنای عبارت این است که اگر خواستید کافران را مجازات و عذاب کنید، آنان را آن گونه مجازات کنید که شما را مجازات کردند (جمعی از محققان، ۱۴۲۸ ب، ج ۲: ۲۰۲).

۴. ۳. «ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لِيَنْصُرَهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ» (حج: ۶۰)، مراد از «نصر» در عبارت «لِيَنْصُرَهُ اللَّهُ» اذن قتال و جواز مقابله به مثل است، معنای بیان علت آن با جمله «إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ» روشن می شود؛ زیرا دادن اذن و مباح کردن اقتال و مقابله به مثل [در موارد اضطرار و حرج و مانند آن، از مقتضیات دو صفت عفو و غفور بودن خداوند است. در این صورت معنای آیه این است: خداوند از آن رو اذن قتال و مقابله به مثل را به مسلمانان داد که بخشاینده و آمرزنده است و اثرات زشت این معامله به مثل را از بین می برد. گویا عقاب در نظام زندگی میغوض و ناپسند است (همان، ج ۲: ۲۲۴).

آیات مذکور ناظر به بُعد بازدارندگی مقابله به مثل است و این اقدام از توطئه و تهدید دشمنان پیشگیری به عمل می آورد.

۱. اگر آنها را در (میدان) جنگ بیایی، آن چنان به آنها حمله کن که جمعیت‌هایی که پشت سر آنها هستند، پراکنده شوند؛ شاید متذکر گردند (و عبرت گیرند)! * و هرگاه (با ظهور نشانه‌هایی،) از خیانت گروهی بیم داشته باشی (که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند)، به‌طور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است...

ب) دلایل عقلی

۱. وجوب دفع ضرر محتمل

دفع ضرر مظنون به حکم عقل، بديهی و واجب است (نراقی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۳۲۴). طبق حکم عقل (حجت باطنی) دفع ضرر واجب است (سبزواری، ۱۴۲۵: ۴۵۴).

مراد از ضرر، توطئه‌هایی است که مسلمانان در طول تاریخ متحمل شده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: در تنگنا قرار دادن پیامبر و اصحاب ایشان در شعب ابی طالب؛ توطئه یهود در ورود پیامبر به مدینه؛ تحمیل جنگ‌های: احزاب، ذات‌السلاسل، حنین، طائف، تبوک، دومة‌الجندل و بنی‌المصطلق و ... (حسینی، ۱۳۸۲: ۲۱۱)؛ توطئه ناکثین، قاسطین و مارقین در زمان امام علی علیه السلام (ر.ک: رفیعی، ۱۳۸۶: ۷۹-۴۵)؛ توطئه ترور امام حسین علیه السلام در مدینه توسط عمر سعد (ر.ک: رفیعی، ۱۳۸۶: ۱۴۳)؛ توطئه منصور خلیفه عباسی علیه امام جعفر صادق علیه السلام به منظور خدشه وارد نمودن به شخصیت امام (رفیعی، ۱۳۸۶: ۱۶۱)؛ توطئه احضار امام رضا علیه السلام از مدینه به مرو و جلوگیری از نشر فضائل امام در میان مردم و بی‌اعتبار کردن جایگاه آن حضرت، پخش شایعات علیه امام و نهایتاً به شهادت رساندن امام (رفیعی، ۱۳۸۶: ۲۰۱-۱۹۲).

از بدو پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون نیز دشمنان از تمام توان خود استفاده کرده‌اند و توطئه‌های متعددی را علیه نظام اسلامی طراحی و اجرا نموده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: اختلال در سیستم امنیتی؛ توطئه‌های فرهنگی با هدف تغییر معیارها، الگوها و ایده‌آل‌های اعتقادی و ملی؛ محاصره و تحریم اقتصادی؛ تحمیل جنگ؛ مداخله نظامی؛ ایجاد کانون‌های بحران در مناطق هم‌جوار ایران؛ توطئه‌های تجزیه‌طلبانه در نقاط مرزی کشور، ایجاد درگیری‌های داخلی، ترورهای گسترده و ...؛ بنابراین نه‌تنها ضرر، محتمل است بلکه در برخی موارد قطعی است.

۲. وجوب حفظ نظام اسلامی از باب مقدمه واجب

در تعریف مقدمه واجب گفته شده: «ما يُتَوَسَّلُ بِهَا إِلَى شَيْءٍ آخَرَ عَلَى وَجْهِ لَوْلَاهَا لَمَّا أَمَكَ تَحْصِيلُهُ» (سبحانی، بی‌تا: ۵۰). به تعبیر دیگر هرگاه دستور بر انجام دادن امری صادر شود که اجرای آن دستور متوقف بر امور مقدماتی باشد، طبعاً عقل حکم می‌کند که تحصیل آن مقدمات واجب است (ولایی، ۱۳۸۷: ۳۱۶).

حفظ کیان و قلمرو کشور اسلامی - از باب مقدمه واجب - از گزند کفار، از جمله مصالح مهم به‌شمار می‌رود (شریعتی، ۱۳۸۷: ۱۹۴). علما و اندیشمندان اسلامی در راستای حفظ نظام اسلامی نظریات متعددی مطرح نموده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

امام خمینی علیه السلام:

مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وضعی که در دنیا مشاهده می‌شود... از مهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیزی به آن مزاحمت نمی‌کند (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۵، ج ۱۹: ۱۵۳).

امام خامنه‌ای علیه السلام:

امروز شما موظفید این نظام را حفظ کنید، آن‌هم به شکل پیراسته، به شکل خالص، به شکل سالم، به همان شکلی که بشود آن را به امام عصر علیه السلام تحویل داد (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2651>).

آیت‌الله مکارم:

هرگاه مسلمانان از این بیم داشته باشند که اجانب نقشه استیلا بر ممالک اسلامی را کشیده و بدون واسطه یا به واسطه عمال خود از داخل یا خارج آن را عملی کنند بر همه مکلفین واجب است به هر وسیله‌ای که امکان دارد در برابر آنان بایستند و از ممالک اسلامی دفاع کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، مسئله ۲۴۱۲: ۴۷۱).

آیت‌الله جناتی:

اگر کشورهای استکباری در بلاد اسلامی نقشه‌هایی برای تسلط بر آن‌ها داشته باشند، بر مسلمانان لازم است که از هر راهی از پیاده شدن آن‌ها جلوگیری کنند (جناتی، ۱۳۸۲: مسئله ۱۳۰۶، ۳۹۹).

آیت‌الله نائینی:

تحفظ از مداخله اجانب و تحذیر از حیل معموله در این باب و تهیه قوه دفاعیه و استعدادات حربیه و غیر ذلک، و این معنا را در لسان متشرعین حفظ بیضه اسلام و سایر ملل، حفظ وطنش خوانند (نائینی، ۱۳۲۷: ۴۰).

ابوالصلاح حلبی:

جهاد با کافران و جنگ‌طلبان فاسق واجب است... پس اگر از ناحیه بعضی کافران و جنگ‌طلبان، خوف تجاوز به بعضی از سرزمین‌های اسلامی داده شود، بر اهالی تمام اقلیم‌ها لازم است با دشمنان متجاوز نبرد کنند (برجی، ۱۳۸۶: ۴۷).

عمر احمد الفرجانی:

اسلام، قلمرو مکانی خاصی را برای دفاع از مظلوم معین نکرده است، هر جا ظلمی رخ بدهد؛ ولو در داخل کشورهای دیگر غیر اسلامی، جهاد برای رفع ظلم از مسلمین یا غیرمسلمین مشروع است (همان: ۲۳۲).

محمد خیر هیکل:

از معنای جهاد تدافعی نباید این‌چنین برداشت شود که حکومت اسلامی باید دست به سینه بنشیند تا دشمن به خانه و کاشانه‌اش هجوم برد، سپس به دفاع برخیزد؛ بلکه به‌عکس، هنگامی که احساس کرد دشمن برای پیکار آماده می‌شود و قصدش تهاجم به نیروی اسلام است باید ابتکار عمل را به دست گیرد و قدرت تهاجم دشمن را درهم بشکند (همان: ۲۱۱).

بنابراین نظر به این که اقدامات پیشگیرانه مقدمه‌ای است برای حفظ نظام اسلامی، انجام این اقدامات از باب مقدمه واجب، واجب است.

۳. مقابله با تهدیدات از طریق باز تولید اقتدار ملی

به‌طور کلی اقتدار در شرایطی حاصل می‌شود که تهدیدات کاهش یابد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

امروز در مقابله با استکبار در سیاست خارجی، زبانمان، زبان عزت، اقتدار معنوی و اقتدار ملی است (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3661>).

مصادیق اقدامات پیشگیرانه علیه دشمن

الف) اقدامات پیشگیرانه متعارف

۱. تحریم حقوقی

به استناد مفاد حقوقی اقدامات متقابل و سایر معاهدات بین‌المللی و با توجه سیاست‌های خصمانه دشمنان، کشورهای اسلامی می‌توانند برای پیشگیری از توطئه‌ها، تحریم‌های حقوقی محرومیت

دشمن از روابط دیپلماتیک، محرومیت استفاده از آبراه‌های تحت اشراف کشورهای اسلامی (به استناد ماده ۴۲ عهدنامه حقوق دریاها مبنی بر امنیت کشتیرانی و تنظیم تردد دریایی و ... (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۰: ۴۹۷)، محرومیت از ذخایر ارضی، ممانعت از گردشگری و توریسم و ... را علیه آنان اعمال نمایند.

علی‌رغم پیچیدگی اعمال برخی تحریم‌های حقوقی، این اقدامات با ائتلاف کشورهای اسلامی و فراهم آوردن سازوکار لازم امکان‌پذیر بوده و راهبرد مؤثری است برای بازدارندگی کشورهای مستکبر از اعمال سیاست‌های سلطه‌جویانه علیه کشورهای اسلامی.

۲. جاسوسی و نفوذ

۱. ۲. «و جَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ» (قصص: ۲۰) آیه از جاسوسی مؤمن آل فرعون به نفع موسی علیه السلام خبر می‌دهد.

۲. ۲. «فَمَكَتْ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَ جِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ»^۲ (نمل: ۲۲)؛ «إِذْ هَبَّ بِكِنَابِي هَذَا فَأَلْقَه إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ»^۳ (نمل: ۲۸). آیه بیانگر این است که هدهد از جانب سلیمان علیه السلام برای جاسوسی از ملکه سبأ مأموریت می‌یابد تا اطلاعات دقیقی از مواضع و واکنش آنان نسبت به نامه سلیمان علیه السلام به دست آورده و به ایشان برساند.

۳. ۲. پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از استقرار در مدینه، پیوسته مأموران را روانه اطراف می‌کردند تا آن حضرت را از اوضاع داخل و خارج مدینه آگاه سازند و پس از دریافت گزارش اقدامات لازم را برای دفع حرکات دشمن فراهم می‌ساختند؛ کسب اطلاعات از دشمن یکی از مهم‌ترین سیره سیاسی آن حضرت بود که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. (در این هنگام) مردی با سرعت از دورترین نقطه شهر [= مرکز فرعونیان] آمد و گفت: «ای موسی! این جمعیت برای کشتن تو به مشورت نشست‌اند؛ فوراً از شهر خارج شو، که من از خیرخواهان توام!»
۲. چندان درنگ نکرد (که هدهد آمد و) گفت: «من بر چیزی آگاهی یافتم که تو بر آن آگاهی نیافتی؛ من از سرزمین «سبأ» یک خبر قطعی برای تو آورده‌ام!
۳. این نامه مرا ببر و بر آنان بیفکن؛ سپس برگرد (و در گوشه‌ای توقف کن) بین آن‌ها چه عکس‌العملی نشان می‌دهند.

۲.۳.۱. پیامبر قبل از شروع جنگ بدر یک گروه گشتی را که در میان آن‌ها زبیر عوام و سعد ابی‌وقاص بود، به فرماندهی علی علیه السلام فرستاد تا اطلاعاتی از کاروان قریش به دست آورند. آن‌ها در اطراف آب، به شتر آب‌کشی با دو غلام که متعلق به قریش بودند برخورد کردند، هر دو را دستگیر کرده به محضر پیامبر آوردند. پیامبر با سؤالاتی که از غلام‌ها کرد از وضعیت کفار قریش، اطلاعاتی کسب نمود (سیحانی، ۱۳۷۰: ج ۱، ۴۹۷).

۲.۳.۲. پیامبر دو نفر («سبیس جهنی» و «عدی بن ابی‌الزغباء») از اصحاب خود را جهت کسب اطلاعات از کاروان قریش و ابوسفیان روانه بدر کرد، آن‌ها در مأموریت خود این خبر را به دست آوردند که دو روز دیگر کاروان قریش به بدر می‌رسند و این خبر مهم را با سرعت به رسول خدا رساندند.

۲.۳.۳. قبل از جنگ احزاب گزارشگران، به پیامبر اطلاع دادند که اتحادیه نظامی نیرومندی بر ضد اسلام تشکیل شده و قصد دارند مدینه را محاصره نمایند. پیامبر فوراً به مشورت پرداخت، سپس به مسلمانان دستور داد که اطراف شهر را خندق حفر کنند.

۲.۳.۴. آن حضرت حذیفه بن یمان را مأمور ساخت که شب‌هنگام، میان قریش در جنگ خندق برود و از وضع و تصمیم آن‌ها، رسول خدا را باخبر سازد.

۲.۴. بعد از جنگ صفین و جدا شدن خربت بن راشد ناجی و یارانش از حضرت علی علیه السلام حضرت به کارگزاران خود دستور داد که در هر ناحیه جاسوسانی بگمارند و اخبار ایشان را به حضرت گزارش دهند. در عهدنامه حذیفه بن یمان، حاکم مدائن و در عهدنامه قیس بن سعد انصاری کارگزار مصر؛ همچنین در برخی موارد، حضرت شخصاً اطلاعاتی درباره اشخاص مشکوک و منافق فراهم می‌آوردند و به پیامبر می‌رساندند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴: ج ۲، ۷۳۴-۷۳۱).

۲.۵. در حدیث معروف امام حسین علیه السلام در مورد ماندن محمد حنفیه (برادر آن حضرت) در مدینه چنین آمده است: هنگامی که حضرت آماده حرکت از مدینه به مکه و از آنجا به سوی کربلا شد، برادرش محمد از آن حضرت خواست تا همراه وی باشد، امام علیه السلام فرمود: «أَمَا أَنْتَ فَلَا، عَلَيْكَ أَنْ تُقِيمَ بِالْمَدِينَةِ وَ تَكُونَ لِي عَيْنًا لَا تَخْفَ عَنِّي شَيْئًا مِنْ أُمُورِهِمْ؛ اما تو همراه من نیا، در مدینه بمان و چشم من در آنجا باش تا چیزی از اخبار دشمنان بر من مخفی نماند» (قرشی، ۱۳۸۶: ج ۲، ۲۶۳).

۲. ۶. در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا بَعَثَ جَيْشًا فَأَتَاهُمْ أَمِيرًا بَعَثَ مَعَهُ مِنْ ثِقَاتِهِ مَنْ يَجَسَّسُ لَهُ خَبْرَهُ»؛ پیامبر هنگامی که لشکری را می‌فرستاد و امیری بر آن‌ها می‌گماشت (که ممکن بود گاهی مورد اتهام واقع شود) همراه او یکی از افراد مورد اعتماد را می‌فرستاد تا اخبار او را جستجو کرده و به پیامبر گزارش دهد (حرّ عاملی، ۱۴۰۳: حدیث ۴، ج ۱۵، ۶۰). بنابراین به‌منظور پیشگیری از تهدید و توطئه دشمنان، ضروری است در کانون‌های برنامه‌ریزی آنان نفوذ نمود و نقشه‌های مخلّ امنیت و مصالح اسلام را رصد کرد و از آن پیشگیری نمود.

۳. اشراف بر اسناد اطلاعات و تجهیزات

لازمهٔ تدوین سیاست دفاعی (تبیین اهداف کلی، تعیین سازمان، انتخاب سامانه‌های جنگ‌افزار، تعیین مأموریت و شیوهٔ به‌کارگیری نیروها، تعیین راهبردهای نظامی و عملیاتی)، داشتن شناخت کافی از دشمن است (علی‌بخشی و دیگر، ۱۳۸۷: ۱۷۱-۱۶۶). بنابراین به‌منظور تحقق راهبردهای دفاعی و پیشگیری از تهدیدات دشمن ضروری است به شیوه‌های گوناگون در دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی دشمن نفوذ نمود و اخبار لازم را از او کسب کرد.

۴. ایجاد رعب و وحشت

ایجاد رعب و وحشت یکی از ابزارهای عملیات روانی است که بیشتر با نمایش توانمندی‌های نظامی یا اقتصادی همراه است (طائب، ۱۳۸۹: ۱۶۲)؛ برخی از ادلهٔ نقلی مذکور عبارت‌اند از:

۴. ۱. «إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ...»^۱ (انفال: ۱۲). یکی از نعمت‌های پروردگار بر مجاهدان جنگ بدر، ترس و وحشتی بود که در دل دشمنان افکند و روحیهٔ آن‌ها را سخت متزلزل ساخت و این امر، به‌راستی شگفت‌آور بود که ارتش نیرومند قریش در برابر سپاه کوچک اسلام، چنان روحیهٔ خود را باخته بود که گروهی از درگیر شدن با مسلمانان سخت وحشت داشتند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۳۴).

۱. و (به یاد آر) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: «من با شما هستم؛ کسانی را که ایمان آورده‌اند، ثابت‌قدم دارید! به‌زودی در دل‌های کافران ترس و وحشت می‌افکنم...»

۴. ۲. «سُئِلَ فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا...» (آل عمران: ۱۵۱). آیه به نجات معجزه‌آسای مسلمانان بعد از جنگ احد اشاره می‌کند و می‌فرماید: «به‌زودی در دل‌های کافران ترس می‌افکنیم...» قرآن علت افکندن ترس در دل‌های آن‌ها را چنین بیان می‌کند: «به خاطر این‌که بدون دلیل چیزی را برای خدا هم‌تا قرار دادند» (مکرم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۱، ۳۶۱).

خداوند متعال کید دشمن را ضعیف بیان داشته و او را موجودی ترسو معرفی نموده است، پس دلیلی ندارد که مسلمانان از آنان ترس در دل خود راه دهند، چراکه این ترس باعث جسارت و گستاخی آن‌ها می‌گردد.

۴. ۳. خداوند متعال با بیان ضعف و سستی راه کافران، مؤمنان را بر ضد آنان تشویق و به جنگ با آنان تشجیع می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۴، ۴۲۱). قرآن در زمینه ضعف و سستی راه کافران می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا» (نساء: ۷۶).

۴. ۴. «وَوَقَدْ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبُ...» (حشر: ۲) به مؤمنان یادآور می‌شود دشمنان با همه قدرت و توانی که دارند، در برابر تهدید الهی و ایجاد رعبی که می‌کند، ناتوان هستند و می‌توان به‌سادگی بزرگ‌ترین دشمنان را به زانو درآورد.

۴. ۵. پیامبر ﷺ برای فتح مکه و برانداختن حکومت ظالمانه قریش، بسیج عمومی اعلام کرد و همراه ده هزار نفر از سپاهیان اسلام به منطقه «مرالظهران» (چند کیلومتری مکه) رسیدند و برای ایجاد رعب و هراس در مردم مکه، دستور داد که سربازان اسلام در اطراف مکه آتش برافروزند تا نواری از شعله‌های آتش، کلیه نقاط مرتفع را فراگیرد؛ مردم مکه یک‌باره متوجه شدند که در محاصره کامل قرار گرفته‌اند و آتش، شهر مکه را احاطه نموده است. در این لحظه سران قریش مانند ابوسفیان بن حرب و حکیم بن حزام برای تحقیق از مکه بیرون آمدند و به جستجو پرداختند. در این هنگام عباس عموی پیامبر، سران قریش را مطلع ساخت که این آتش مربوط به سربازان

۱. به‌زودی در دل‌های کافران، به‌خاطر این‌که بدون دلیل، چیزهایی را برای خدا هم‌تا قرار دادند، رعب و ترس می‌افکنیم؛ و جایگاه آن‌ها، آتش است؛ و چه بد جایگاهی است جایگاه ستمکاران.

۲. کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند؛ و آنها که کافرند، در راه طاغوت [= بت و افراد طغیانگر]. پس شما با یاران شیطان، پیکار کنید! (و از آنها نهراسید!) زیرا که نقشه شیطان، (همانند قدرتش) ضعیف است.

محمد است و ایشان با قدرتی بزرگ آمده که قریش تاب مقاومت در برابر آن را ندارند. سخنان عباس لرزه بر اندام ابوسفیان افکند و در این حال چاره‌جویی کرد، عباس گفت: به ملاقات پیامبر بیا تا از او پناه بجویی؛ وگرنه جان قریش در خطر است. ابوسفیان خدمت پیامبر رسید و پس از گفتگو اعتراف به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر نمود. با این حال پیامبر دستور آزادی ابوسفیان را صادر نکرد؛ بلکه به عباس دستور داد او را در تنگنای دره‌ای نگاه دارد تا لشکر اسلام، با تجهیزات و سازوبرگ خود در برابر او رژه روند و او در روز روشن از قدرت نظامی اسلام آگاه گردد تا پس از بازگشت به مکه، مردم را از قدرت اسلام بترساند و آن‌ها را از فکر مقاومت بازدارد. پس از مراسم رژه، ابوسفیان به دستور رسول اکرم صلی الله علیه و آله آزاد شد؛ او به سرعت روانه مکه شد و به مردم خبر داد که این محمد است که با نیرویی آمده که هیچ‌کس را یارای مقاومت با آن نیست و این ترس و وحشت سبب شد که مکه بدون خونریزی به دست پیامبر و سربازان اسلام فتح گردید (سبحانی، ۱۳۷۰، ج ۲: ۳۲۲-۳۲۳).

۵. اختلال در فناوری اطلاعات

اشراف بر فناوری‌های نوین به‌ویژه قدرت الکترونیک این امکان را به یک کشور می‌دهد تا به سهولت زیرساخت‌های اطلاعاتی، ارتباطاتی و راداری دشمن را مورد هجوم قرار دهد و مجال اقدام را از او سلب نماید؛ بنابراین ایجاد اختلال در این تجهیزات، نقش مؤثری در عدم کارایی تهدیدات نظامی و غیرنظامی رقیب دارد.

به استناد ادله نقلی (آیه ۶۰ انفال و ...) و ادله عقلی (وجوب دفع ضرر محتمل و ...) و به‌منظور پیشگیری از وقوع تهدید و توطئه دشمنان، ضروری است اقدامات مؤثر در جهت تقویت بنیه دفاعی به‌ویژه شیوه‌های نوین فناوری اطلاعات و صنعت الکترونیک صورت گیرد.

۶. اختلاف‌افکنی

به استناد سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در صورت لزوم می‌توان بین دشمن و سایر دول اختلاف‌افکنی کرد و آنان را از ادامه تهدید و توطئه علیه مسلمانان بازداشت. برخی از اختلاف‌افکنی‌های پیامبر عبارت‌اند از:

۶. ۱. به هم زدن اتحاد یهود و مشرکان در جنگ احزاب: روزی نعیم بن مسعود، خدمت پیامبر آمد و عرض کرد: یا رسول الله! من تازه مسلمان شدم و برای اطاعت از دستور شما حاضرم، آن حضرت فرمود: اگر می توانی به وسیله ای، میان دشمن اختلاف بینداز، نعیم به نزد بنی قریظه رفت و گفت: بدانید که قریش و غطفان مانند شما نیستند، اینجا سرزمین شما است و همیشه اینجا مستقر هستید؛ اما اگر قریش و غطفان پیروز شوند، غنیمتی به دست می آورند و می روند و اگر شکست بخورند به شهرهایشان می روند و شما همیشه در مقابل محمد هستید و توان مقاومت با محمد را ندارید، لذا به نیروی احزاب بگویید، برای اطمینان، چند نفر از بزرگان قریش و غطفان را به عنوان گروگان نزد ما بگذارید؛ و آلا به جنگ با محمد اقدام نکنید. بنی قریظه نیز سخنان نعیم بن مسعود را پذیرفتند. از آن سو، نزد قریش آمده، به ابوسفیان و سایر سران آن ها گفت: من خبری شنیدم که باید شما را آگاه سازم و آن این که یهودیان از شکست پیمان خود با محمد پشیمان شده اند و می خواهند آن را به نوعی جبران کنند، لذا تصمیم دارند چند نفر از بزرگان شما را گروگان بگیرند و به محمد تحویل دهند و از این راه، صداقت خود را نشان دهند و محمد را از خود راضی کنند و نیز به او قول داده اند تا آخر جنگ، مسلمانان را یاری خواهند کرد؛ لذا شما نباید گروگان دادن بزرگان را بپذیرید. سپس نزد قبیله غطفان رفت و همان حرف ها را تکرار کرد. خبر نعیم بن مسعود نیروهای احزاب را به شدت نگران ساخت، در نتیجه سران قریش و غطفان نماینده تعیین کردند تا با بنی قریظه مذاکره کنند و فردا حمله را آغاز کنند. بنی قریظه در جواب آن ها گفتند: فردا ما به هیچ کاری دست نمی زنیم و از این گذشته، تا چند نفر از بزرگان را به عنوان گروگان به ما ندهید، ما اقدام به جنگ نمی کنیم؛ زیرا ممکن است جنگ ادامه پیدا کند و شما به شهرهای خود برگردید و ما را در مقابل محمد تنها بگذارید، آن وقت ما نیروی مقاومت با او را نداریم. از این سخن، دل سردی عجیبی در میان آن ها به وجود آمد و این مطلب موجب متفرق شدن آن ها شد.

۶. ۲. قطع ارتباط یهود با غطفان در جنگ خیبر از جمله موارد دیگر در جریان غزوة خیبر بود که رسول خدا با ناامن کردن پشت جبهه غطفان که هم پیمان یهود بودند، آنان را از کمک کردن به خیبریان بازداشت.

انگیزه سپاه عرب و یهود برای جنگ با اسلام، انگیزه واحدی نبود. یهود از گسترش روزافزون حکومت جوان اسلام بیم داشت و محرک قریش، عداوت‌های دیرینه آنان با اسلام و مسلمانان بود. قبیله‌های غطفان و فزاره و تیره‌های دیگر به طمع محصولات خیبر که یهودیان به آن‌ها وعده داده بودند، در این نبرد شرکت کرده بودند. بر همین اساس پیامبر هیئتی را مأمور کرد تا با سران قبائل پیمانی ببندند و بگویند مسلمانان حاضرند یک‌سوم میوه مدینه را به آنان بدهند، مشروط بر این‌که آن‌ها از صفوف احزاب جدا شوند و به مناطق خود بازگردند. بدین‌وسیله قبایل مزبور از این طریق با متفقین خود دو دل شده و روزبه‌روز در انتظار امضای قرارداد بودند، و هر موقع از آن‌ها تقاضای حمله می‌شد، آنان به امید این قرارداد، به عذرهای خاصی تقاضا را رد می‌کردند (سبحانی، ۱۳۷۰، ج ۲، ۱۴۴-۱۳۹).

۷. اخلال در نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی

با توجه به شکل‌گیری نظم نوین جهانی در روابط بین‌المللی (از بین رفتن نظام دوقطبی، کاهش نسبی قدرت و نفوذ آمریکا در جهان و ...) و شکل‌گیری تحولات منطقه‌ای (عدم رضایت کشورهای اسلامی از سیاست‌های سلطه‌جویانه سردمداران حقوق بشر، آغاز بیداری اسلامی و ...) و فرامنطقه‌ای (بر هم خوردن موازنه قدرت بین قدرت‌ها، عدم کفایت لازم مدعیان حقوق بشر در جهت تأمین حقوقی داخلی و خارجی ملت‌ها، جرئت موضع‌گیری کشورهای قدرتمند در برابر آمریکا و متحدانش و ...)، فرصت مناسبی به وجود آمده تا کشورهای اسلامی به دلیل امتیازات و موقعیت‌های ویژه (جمعیت، فرهنگ و تمدن غنی اسلامی و منابع طبیعی و ...) اقدام به تغییر هندسه قدرت نموده و در طراحی جدید نظم جهانی نقش‌آفرینی نمایند.

بنابراین امت اسلامی با دارا بودن ظرفیت‌های بین‌المللی (قدرت سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان همکاری اسلامی، سازمان اقتصادی (ا.کو)، کشورهای عضو دی هشت، حضور فعال در مجامع جهانی، و قابلیت‌های منطقه‌ای (تحولات گسترده در ملت‌ها مبنی بر تفکر مقابله با ظلم و نابرابری و ...) این امکان را دارد که با یکپارچگی و ائتلاف علیه دشمنان، مانع تحقق سیاست‌های ظالمانه آنان شده و از تحقق تهدیدات پیشگیری به عمل آورند.

بر این اساس، با توجه به اینکه کشورهای اسلامی از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردارند، می‌توانند به وسیلهٔ اجرای سیاست اقتصاد مقاومتی، قطع ارتباط و حمایت‌های مادی و معنوی از کشورهای مستبد؛ عدم انعقاد قراردادهای نظامی و غیرنظامی و تجاری، قطع صادرات نفت و ... دشمنان را تحریم اقتصادی نمایند و به تدریج از قدرت آنان بکاهند. برخی از مصادیق برنامه‌های اقتصاد مقاومتی که منجر به تحریم اقتصادی دشمن می‌گردد عبارت‌اند از: ۱- کاهش مصرف کالاهای خارجی؛ ۲- ممانعت از واردات کالاهای قاچاق؛ ۳- اصلاح سیاست اقتصادی متکی به نفت؛ ۴- تولید کالاهای مرغوب و صادرات آن؛ ۵- حمایت از تولید ملی؛ ۶- حرکت به سمت انضباط مالی؛ ۷- مقابلهٔ جدی با فساد اقتصادی؛ ۸- خودکفایی در عرصهٔ تولیدات داخلی؛ ۹- افزایش بهره‌وری به وسیلهٔ نوآوری و...

بدون تردید توانمندی اقتصادی، مقدمهٔ تقویت و ارتقاء بنیهٔ دفاعی است و کشوری که دارای توان دفاعی بالاتر باشد، به سهولت قادر خواهد بود دشمن را به اخلاص تهدید کرده و از تهدیدات پیشگیری به عمل آورد.

۸. انعقاد پیمان‌های اتحاد با سایر دول علیه دشمن

یکی از دغدغهٔ دولت‌ها، امنیت ملی است؛ بنابراین برقراری دیپلماسی فعال و معاهدات امنیتی و پیمان‌های اتحاد میان کشورها از مهم‌ترین راهبردهای مؤثر برای حل بحران امنیت است. اتحاد کشورهای اسلامی و انعقاد پیمان مودت و دوستی بین دول اسلامی اهمیت به‌سزایی در افزایش امنیت و دفع تهدیدات خارجی دارد. این پیمان‌ها از ائتلاف دشمن علیه کشورهای اسلامی جلوگیری به عمل آورده و از تهدیدات آنان می‌کاهد.

۹. عملیات روانی و شایعه‌پراکنی

در اسلام، عملیات روانی در سایهٔ بیان واقعیت‌ها و پرهیز از دروغ است و باید آبروی نظام اسلامی حفظ شود. در نگاه اسلام، تهدید باید به‌گونه‌ای باشد که از پشتوانهٔ عملی لازم برخوردار باشد؛ یعنی از دروغ معمول تهی باشد تا اگر با مقاومت طرف مقابل روبرو شد، قابلیت عملی شدن داشته باشد؛ بنابراین دو اصل در تهدید مطرح است:

اول: تهدید دشمن با دروغ همراه است، بنابراین پایداری مسلمانان، او را ناکام خواهد ساخت.

دوم: تهدید علیه دشمن به دلیل ضرورت واقعی بودن، باید در حد ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها و قابل اجرا باشد (طائب، ۱۳۸۹، ۱۵۸).

از رایج‌ترین ابزارها در عملیات روانی، شایعه است که عاملی اثرگذار در تخریب روحیه و یا چهره افراد است. بنای شایعه بر پراکندن خبرهای بی‌پایه و غیرواقعی است. شایعه‌پراکنی به حکم اولی در اسلام حرام است و نمی‌توان از آن استفاده نمود؛ اما گاهی در میدان مبارزه، ضرورت می‌یابد که با رعایت اولویت‌ها و در موارد خاص و با حکم ویژه اجرا شدنی است (همان: ۱۶۱).

ب) اقدامات پیشگیرانه غیرمجاز

۱. کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی (هسته‌ای، شیمیایی، آتش‌زا، بیولوژیک، سمی و بمب‌های خوشه‌ای و ...):

۱.۱. حکم استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از منظر آیات و روایات:
۱.۱.۱. «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰). از واژه «لَا تَعْتَدُوا» برداشت می‌شود که به کارگیری هرگونه ابزار و روش بی‌رحمانه در جنگ ممنوع است. حکم اولیه شرع مقدس در زمینه استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی واضح و روشن است و مجوزی برای استفاده از آنها وجود ندارد.

۱.۱.۲. پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ‌یک از روش‌های غیرانسانی مرسوم در آن زمان را به کار نگرفته؛ بلکه فرمان داد با مردم چنان رفتار کن که دوست داری با تو آن‌چنان رفتار کنند.
امام صادق علیه السلام فرمودند:

پیامبر هر وقت فردی را برای انجام سریه برمی‌گزید، او را ابتدا به تقوای الهی امر می‌فرمود، سپس از غدر (خیانت) با دشمن، آتش زدن نخل‌ها و بستن آب بر دشمن و انداختن آتش بر کشتزارها نهی می‌فرمود (جعفری، ۱۳۹۲: ۲۰۶)؛

آن حضرت فرمودند:

۱. و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید که خدا تعدی‌کنندگان را دوست نمی‌دارد!

نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ. وَعَنْ قَتْلِ النِّسَاءِ وَالْوَالِدَانِ فِي دَارِ الْحَرْبِ،
وَعَنْ الْأَعْمَى وَالشَّيْخِ الْفَارِسِيِّ (روحانی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۲۶۵).

اگرچه در متون روایی و اقوال فقهی صراحتی در منع استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی دیده نمی‌شود؛ اما از برخی استدلال‌هایی که در لابه‌لای بحث‌های فقهی آمده، می‌توان حرمت به‌کارگیری سلاح‌های استراتژیک و کشتار جمعی را به دست آورد (جعفری، ۱۳۹۲: ۲۱۰).

۱. ۲. حکم استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از منظر فقهی
حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌السلامه:

به اعتقاد ما، افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند... ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام، و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان می‌دانیم
(<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=9171>).

محقق حلی رحمته‌الله استفاده از هر نوع سلاح آتش‌زا را حرام دانسته است. محقق ثانی رحمته‌الله نیز استفاده از سلاح‌های آتش‌زا و سوزاندن درختان، محصولات کشاورزی، حیوانات و انسان‌های بی‌گناه را در صحنه جنگ حرام دانسته است (حلی، ۱۳۷۴: ۱۲-۶۶).

۱. ۳. حکم استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از منظر دکترین دفاعی ج.ا.ا:

دکترین دفاعی ج.ا.ا که مبتنی بر شرع مقدس اسلام و حکم اولیه است، استفاده از این سلاح‌ها را گناهی بزرگ دانسته و نگهداری چنین سلاحی را بیهوده، پرخطر و پرخطر می‌داند. کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی در تضاد آشکار با اهداف جهاد است و استفاده از این سلاح‌ها مخصوص کسانی است که فاقد منطق و اندیشه انسانی هستند؛ بر این اساس، یکی از اولویت‌های مهم دیپلماسی دفاعی ج.ا.ا در حوزه سلاح‌های کشتار جمعی، حضور و مشارکت فعال در عرصه بین‌المللی برای مقابله با این سلاح‌ها و امحای آن‌ها است.

۱. پیامبر نهدی فرموده از ریختن سم در بلاد و سرزمین‌های مشرکین و دشمنان، همچنین نهدی کرده از کشتن زنان و کودکان و اشخاص پیر و نابینا در مناطقی که محل سکونت کفار است و همین‌طور نهدی کرده از سم ریختن بر روی دشمنان.

۲. کاربرد سلاح و ابزارهای کشتار فردی

این ابزارها شامل انواع جلیقه‌های انفجاری و انتحاری، ابزارهای متعدد شکنجه، مواد مخدر مهلک، مواد غذایی آغشته به افزودنی‌های مسموم و کشنده، حربه بیوتروریسم و ... است؛ کاربرد این ابزارها از نظر حکم اولیه اسلام، نامشروع است.

۳. خیانت و ظلم

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «لَا تُخَنَنَّ مِنْ خَانِكَ فَتَكُونَ مِثْلَهُ» (راوندی کاشانی، ۱۳۷۶: ۴۳). «أَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ وَ اسْتَحْيُوا شُرُوعَهُمْ وَ صَبَّأْنَهُمْ»^۲ (طوسی، ۱۳۶۵: ج ۶، ۱۴۲)؛ شرع مقدس اسلام و سیره پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام تعرض به زن و کودکان کفار را در جنگ و غیر جنگ جایز نمی‌داند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَخُونُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۹: ۵۸۵). مفهوم سخن امام این

است که خیانت با ایمان سازگاری ندارد و خائن، با ایمان، بیگانه است (الهامی‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۷۹).

ظلم نیز با شئون دین اسلام مغایرت دارد و انسان مؤمن و مسلمان مجاز نیست برای رسیدن به اهداف خود مرتکب اعمال و رفتار مغایر با شرع و عقل گردد؛ بنابراین ظلم حتی به کافر جایز نیست و نمی‌تواند مبنای اقدام پیشگیرانه قرار گیرد.

دیدگاه فقهای شیعه به‌ویژه مقام معظم رهبری در بحث رعایت حقوق غیرنظامیان مطابق قواعد و زیرساختارهای حقوق انسان دوستانه در جنگ است که در مقررات اسلامی نیز به‌صورت شفاف به این موارد اشاره شده است.

مطابق اندیشه دفاعی مقام رهبری در جهاد با کافران، کشتن پیرمردان و پیر زنان و خردسالان و همه آنانی که از عرصه معرکه برکنار هستند، جایز نیست (حسینخانی، ۱۳۹۲: ۱۴۷).

۱. به کسی که به تو خیانت کرده، خیانت نکن که تو نیز چون او خواهی بود.
۲. (در جنگ‌ها) مشرکان را بکشید؛ اما پیرمردها و کودکانشان را زنده نگهدارید.

۴. ترویج فساد و فحشا در دشمن

یکی از شیوه‌های معمول دشمنان در زمینه جنگ روانی ترویج فساد و فحشا و انجام کارهای ناهنجار است که اسلام این‌گونه شگردها را قبول نداشته و حتی نسبت به دشمنان از اعمال این شیوه‌ها خودداری می‌ورزد (وفا، ۱۳۸۲: ۱۰۹).

از نظر اسلام، هدف وسیله را توجیه نمی‌کند، و دستیابی به هدف از طریق امور غیرمجاز، مشروع نیست.

نتیجه‌گیری

با تدبیر در ادله نقلی و عقلی این نتیجه حاصل می‌گردد که امت اسلامی می‌تواند با هدایت‌گری قرآن و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و قابلیت‌ها و توانمندی‌های موجود مانند: تحریم حقوقی، جاسوسی و نفوذ، اشراف بر اسناد اطلاعات و تجهیزات، ایجاد رعب، اختلال در فناوری اطلاعات، اختلاف‌افکنی، لغو پیمان‌های نظامی دشمن با سایر کشورها، اخلال در نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی، انعقاد پیمان‌های اتحاد با سایر دول علیه دشمن، عملیات روانی و شایعه‌پراکنی و ... از تهدیدات و توطئه‌های دشمن پیشگیری به عمل آورد.

نظر به عزم دشمنان مبنی بر براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و اهمیت آمادگی همه‌جانبه دفاعی و تأثیر آن در پیشگیری از توطئه و تهدید دشمنان، پیشنهاد می‌گردد بیانات و تدابیر مقام معظم رهبری و راهکارهای ارائه شده توسط معظم‌له مبنای عمل قرار گیرد و ضمن ایجاد آمادگی‌های دفاعی در جبهه خودی، در زمینه اقدامات پیشگیرانه علیه جبهه دشمن نیز اهتمام لازم صورت پذیرد؛ امید است با جدیت در زمینه پیشگیری از توطئه‌های دشمنان، شاهد تحولات قابل توجهی در جهان اسلام باشیم.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)، *مصلحت و سیاست، رویکردی اسلامی*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- الهامی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۴)، *اخلاق سیاسی*، تهران: اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ چهارم.
- امام خمینی علیه السلام، روح‌الله (۱۳۸۵)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ ۱۴.
- باهری، محمد و میرزا علی‌اکبر، خان داور (۱۳۸۰)، *نگرشی بر حقوق جزای عمومی*، تهران: انتشارات مجد.
- برجی، یعقوب‌علی (۱۳۸۶)، *پژوهشی فقهی حقوقی درباره ترور و دفاع مشروع*، قم: زمزم هدایت.
- تهامی، مجتبی (۱۳۷۶)، *امنیت ملی، دکنترین و سیاست‌های دفاعی و امنیتی*، تهران: ارتش جمهوری اسلامی ایران، سازمان عقیدتی سیاسی، دفتر سیاسی، دانشگاه عالی دفاع ملی، چاپ دوم، ج ۱.
- جعفری، اصغر (۱۳۹۲)، *دیپلماسی دفاعی در اندیشه امام خامنه‌ای*، تهران: یاران شاهد، ج ۳.
- جمراسی فراهانی، علی‌اصغر (۱۳۷۴)، *بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی*، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- جمعی از محققان پژوهشگاه تحقیقات اسلامی (۱۴۲۸ الف)، *جهاد در آینه قرآن*، قم: زمزم هدایت، ج ۱.
- _____ (۱۴۲۸ ب)، *جهاد در آینه روایات*، قم: پژوهشگاه تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت، ج ۲.
- جنّاتی، محمدابراهیم (۱۳۸۲)، *رساله توضیح المسائل*، قم: انتشارات انصاربان، مؤسسه فرهنگی اجتهاد، ج ۲.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۳ ق)، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، تهران: اسلامیه، ج ۱۵.
- حسینخانی، نوراله (۱۳۹۲)، *مبانی نظری اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای*، تهران: یاران شاهد، ج ۱.
- حسینی، ابراهیم (۱۳۸۲)، *اصل منع توسل به‌زور*، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، نشر معارف.

- راوندی کاشانی، فضل‌الله‌بن‌علی (۱۳۷۶)، *النوادر*، محقق: احمد صادقی اردستانی، قم: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
- ربانی، حامد (بی‌تا)، *فرهنگ سعدی*، بی‌جا: انتشارات سعدی.
- رجب‌زاده، حسین (۱۳۸۷)، *خلاصه مقالات کنگره نقش معنویت در نبرد نامتقارن*، تهران: کمیته علمی کنگره، مرکز چاپ نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه.
- رفیعی، علی (۱۳۸۶ الف)، *تاریخ تحلیلی پیشوایان*، تهران: اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه، چاپ سوم.
- _____ (۱۳۸۶ ب)، *تاریخ اسلام در عصر امامت امام علی (ع) و حضرت زهرا (س)*، تهران: اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه، چاپ سوم.
- _____ (۱۳۸۶ ج)، *تاریخ اسلام در عصر امامت امام حسن (ع) و امام حسین (ع)*، تهران: اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه، چاپ دوم.
- روحانی، صادق (۴۱۲ ق)، *فقه الصادق (ع)*، (۲۶ جلدی)، قم: دارالکتاب، ج ۲.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۰)، *فروع اب‌دیت*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم، ج ۱.
- سبزواری، ملاهادی (۱۴۲۵)، *اسرار الحکم فی المفتتخ والمختتم*، تهران: انتشارات مطبوعات دینی.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۰)، *نظریه پردازی در روابط بین‌الملل: مبانی و قالب‌های فکری*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- صفی، سیدمحمد (۱۳۸۰)، *ژئوپلیتیک فرهنگی و مسئله امنیت ملی*، تهران: نشر شمس.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۰)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران: کتابخانه گنج دانش، ج ۳۸.
- طائب، مهدی (۱۳۸۹)، *نگاهی به عملیات روانی در اسلام*، قم: زمزم هدایت.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، (۲۰ جلدی)، قم: جامعه مدرسین حوزه علمی قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۵، ج ۱۸.
- طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱۳۵۴)، *تفسیر مجمع‌البیان*، ترجمه احمد بهشتی و هاشم رسولی محلاتی، تهران: مؤسسه انتشاراتی فراهانی، ج ۱۱ و ج ۱۷.
- طوسی، محمدبن‌حسن (۱۳۶۵)، *تهذیب الاحکام*، تحقیق حسن موسوی خراسانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ج ۶.
- علی‌بخشی، ابراهیم و محمدحسن بیات (۱۳۸۷)، *مبانی نظری منافع ملی*، تهران: آجا.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۸)، *فقه سیاسی حقوق بین‌الملل اسلامی*، تهران: امیرکبیر.

- عمید، حسن (۱۳۵۵)، فرهنگ عمید، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، جلد ۱ و ۷.
- فاضل مقداد، مقدادبن عبدالله (بی تا)، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، (۲جلدی)، قم: قدس، ج ۱.
- قرشی، باقر شریف (۱۳۸۶)، *حیة الحسین علیه السلام*، قم: انصاریان، ج ۲.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۷۸)، *امنیت ملی در کشورهای جهان سوم*، مرکز تألیف کتاب‌های درسی معاونت تربیت و آموزش سپاه.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۹)، *الکافی*، قم: دارالحدیث، ج ۹.
- لارنس فریدمن (۱۳۸۶)، *بازدارندگی*، مترجمان، عسگر قهرمان پور بناب و روح‌الله طالبی آرنی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۳۷۴)، *شرایع الاسلام*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۱.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۴)، *میزان الحکمة*، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث، ج ۲.
- مشیری، مهشید (۱۳۷۱)، *فرهنگ زبان فارسی*، تهران: انتشارات صدا و سیما، ج ۱، چاپ دوم.
- معین، محمد (۱۳۶۰)، *فرهنگ معین*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ۴، ج ۱.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ج ۷.
- _____ (۱۳۸۶)، *برگزیده تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، جلد ۵.
- موحدی‌نیا، جعفر (۱۳۹۰)، *اصول و مبانی دفاع غیرعامل*، مرکز تألیف کتاب‌های درسی، معاونت تربیت و آموزش و فرهنگ پاسداری.
- میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۴۱۳)، *جامع الشتات فی أجوبة السؤالات (للمیرزا القمی)*، محقق و مصحح: مرتضی رضوی، تهران: مؤسسه کیهان، ج ۱.
- نراقی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، *رسائل و مسائل*، قم: کنگره نراقیین ملا مهدی و ملا احمد، ج ۲.
- وفا، جعفر (۱۳۸۲)، *جهاد و دفاع در اسلام*، تهران: اداره آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ سوم.
- ولایی، عیسی (۱۳۸۷)، *فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول*، تهران: نشر نی، ج ۶.